

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله شرایط حاکم شرعی و پیشوای عرفی و سیاسی در امور دنیوی اینکه سؤال نمودید آیا کسیکه ادعای حکومت شرعیه بکند و در واقع اهل آن نباشد و یا کسی مدعی ریاست دنیوی بمسلمین باشد و حال آنکه لیاقت ریاست نداشته باشد چطور است پس در جواب این مسئله معروض میدارم که ادعای حکومت شرعیه و ریاست عرفیه و سیاست دنیویه از کسانی که اهلیت ندارند از اشد محرّمات و از اعظم گناهان کبیره ایست چنانکه در کافی از ابن کلب از حضرت باقر علیه السلام و در تفسیر آیه **و یوم القیامة تری الذین کذبوا علی الله و جوههم مسوده** روایت کرده که من قال انی امام و لیس بامام قلت و ان کان علویاً قال و ان کان علویاً یعنی در روز قیامت می بینی کسانی را که دروغ بسته اند بخداوند تعالی و از جانب او دروغ گفته اند روی آنها سیاه شده فرمود آنها هر آنکس است که بگوید من پیشوای مردمانم و حال آنکه او در واقع پیشوای ایشان نیست گفتم هر چندیکه او از اولاد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد فرمود بلی و در کافی از ابن مختار در تفسیر همین آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که **کل من زعم انه امام و لیس بامام تا آخر** یعنی آنکسانی که بخداوند تعالی دروغ بسته اند و روی آنها سیاه میشود هر آنکس است که گمان بکند که او پیشوای مردمان است و حال آنکه در واقع پیشوای آنها نیست و در کافی از فضیل از آنحضرت

روایت نموده که من ادعی الامامة و لیس من اهلها فهو کافر یعنی هر که ادعای پیشوائی بودن بکند و حال آنکه از اهل آن نباشد پس آنکس کافر است و در کافی از ابن زید روایت کرده که آنحضرت فرمود **من اشرك مع امام امامته من عند الله من لیست امامته من الله کان مشرکاً بالله** یعنی هر که شریک بکند پیشوای غیر واقعی را با پیشوای واقعی در ریاست و حکومت شرعی و عرفیه پس آنکس مشرک میشود بخداوند تعالی و در کافی از ابن ابی یغفور از آنحضرت روایت نموده که در قیامت خداوند سبحانه با سه نفر تکلم نمیکند و اعمال آنها را پاکیزه نمیفرماید و از برای آنها عذاب شدید است **من ادعی امامة من الله و لیست له و من جحد اماماً من الله و من زعم ان لهما فی الاسلام نصیباً** یعنی یکی آنکه ادعای پیشوا بودن و حاکم شرع شدن از جانب صاحب شرع انور بکند و حال آنکه لایق این مقام نیست و دیگری آنکه انکار نماید پیشوا بودن کسی را که از جانب خداوند است و لایق آن مقام است و سیم آنها آنکس است که گمان بکند که از برای آن دو نفر در دین اسلام نصیب است و در کافی از ابن منصور از آنحضرت روایت کرده در معنای آیه **واذا فعلوا فاحشة تا آنکه قل ان الله لا یامر بالفحشاء** که این آیه در پیشوایان جور و ظلم است که ادعا میکنند که خداوند تعالی بآنها امر فرموده بر پیشوائی نمودن بر قومی و حال آنکه امر فرموده بآنها بر پیشوا شدن پس خداوند عالم رد فرمود بآنها و پیشوائی نمودن آنها را فاحشه قرار داد و مراد از امام و امامة در این احادیث صحیحه همان رئیس بودن و پیشوائی نمودن و ریاست

کردن است در موردین و دنیا و حاکم شرع و یا حاکم عرف شدن است بدون لیاقت و من غیر اهلیت چنانکه در احادیث بسیار پیشماز را امام فرموده اند و امام لفظ عربی است و معنای فارسی آن رئیس و پیشوا است و در آیات شریفه امام را دو قسم قراردادده یکی آنکه دعوت کند مردمان را بر نجات و سوق نماید ایشان را بر ترقی دنیوی و دیگری آنکه مردمان را دعوت نماید بر باطل و برضد ترقی و نگه دارد ایشان را از ترقیات دنیویه و اخروییه و راه صلاح دین و دنیای آنها را نگوید و مراد او جلب نفع بخود باشد و این شخص از جمله ائمه **یدعون الی النار** است و امام اصل حضرات ائمه ما شیعیان است و بعد از غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام در این زمان پیشوای مردمان و رئیس ایشان در امورات شرعیه و در احکام اسلامیّه علماء اعلامند با وجود شرایط تقلید در ایشان چنانکه در کتاب احتجاج و جلد اول بحار الانوار و وسایل الشیعه از حضرت عسگری علیه السلام روایت نموده اند در حدیث مفصل **فامان کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً علی هواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه** و مفاد حدیث اینست که بعد از علم کامل و بصیرت تامه در علماء و فقهاء اعلام در احکام اسلام و در حلال و حرام حضرت سیدالانام در جواز تقلید بر ایشان چهار شرط لازم است اول آنکه نگه دارد نفس خود را از هوای نفس و از خواهش نفسانی دوم حفظ نماید دین خود را از هر چیزیکه بدین او ضرر دارد سوم مخالفت و ضدیت بکند بر هوای نفس خود در ریاست دنیویه و در طلب پیشوائی

در میان مردمان چهارم بر امر و مولای و خالق خود اطاعت نماید و عمل با حکام دین مبین بکند پس با وجود این چهار شرط حاکم شرعی میشود و از برای مردمان تقلید کردن بر او جایز و سزاوار میگردد و الا فلا و در همین حدیث شریف آنحضرت فرموده **وذلك لا یكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم** یعنی جامع اوصاف مذکوره و صاحب این شرایط مزبوره بعض علماء شیعه میشود نه جمیع ایشان پس باید دقت نمود و تحقیق کرد و صاحب این اوصاف را با علم و یقین شناخت و بعد از آن بر او تقلید نمود و او را پیشوا قرار داد و بحکم او اطاعت کرد و اما شرط ریاست دنیویه و رئیس و پیشوا شدن بمسلمین در امورات راجعه بمعاش و گذران و زندگی ایشان و حفظ نفوس و اعراض و اموال مسلمانان پس اولاً عالم بودن پیشوا است باقتضاء وقت و بصیرت کامله او است بطریق حفظ ملت و دولت و مملکت از اضرار داخلی و خارجی و ثانیاً درستکاری و خوش رفتاری و عدم بدکرداری با اهالی و خیانت نکردن آن رئیس بملت و مملکت اسلامی و با وجود این دو شرط که عدالت و عدم خیانت و علم کامل بمقتضیات وقت است باتصویب مسلمین و باصلاح دید آقایان و کلاء دارالشورای ایشان آنکس حق ریاست و پیشوا بودن و رئیس شدن بمسلمین دارد هر که باشد از امراء و اعیان و رعایا و اصناف و افراد ملت اسلام و بدون این سه شرط کسی حق ریاست و رئیس و پیشوا بودن بملت اسلام و بمملکت ایران ندارد از شاهان و اعیان تابگدایان از عالم و عوام از اهل مرکز و ایالات و

ولایات و اگر کسی بدون این شرایط ادعای ریاست و پیشوا بودن بمسلمین بکند جایز نیست و حرام است و آیات و احادیث مذکوره در حق او جاری و شامل است و راضی شدن بر ریاست او و رئیس بودن او حرام و بلکه میل باو جایز نیست چنانکه در سوره هود میفرماید **و لا تتركوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار** یعنی میل نکنید بسوی ظالمان پس شما را آتش دوزخ مس میکند زیرا که پیشوای جاهل و رئیس غیر عالم باقتضاء وقت و شخص خیانت کار و بدون عدالت و غیر دیندار هر دو ظالمند و ظالم و غیر عالم حق ریاست و لیاقت پیشوا بودن ندارد و راضی شدن بر ریاست او حرام و سبب داخل شدن بآتش دوزخ است پس باید در پیشوای دنیوی مثل رئیس روحانی عدالت و علم بوده باشد و بصیرت تامه بر ترقیات ملت و حفظ مملکت و حراست اموال و اعراض و نفوس ولایات داشته باشد تا آنکه او را بر ریاست ملت و بر پیشوای اهل مملکت انتخاب نمایند و بخودشان رئیس بکنند تا آنکه امیر و وزیر شود و بدون شرایط مذکوره وزیر و امیر کردن کسی و پیشوا بودن شخصی حرام است و علاوه بر حرمت و عدم دینداری در این ریاست باعث بدبختی ملت و انحطاط دولت و اضمحلال ثروت و قدرت اهل مملکت و فلاکت و هلاکت اهالی ایران و اسلام است و اگر از اول سلطنت قاجاریه شروط سابقه در علماء و امرآ و وزراء و وکلاء ملاحظه میشد اهل اسلام و ایران باین فلاکت و ضعف دولت و رفتن ثروت و قدرت مبتلاء نمیشدند و ایشان هم مثل سایر دول

صاحب کارخانجات و معادن بیرون شده و خطوط آهن میشدند و ترقیات  
 ثروتی و دولتی و ملتی میکردند و قوه دفاعیه برای دفع فساد داخلی و  
 رفع شرارت خارجی فراهم و آماده مینمودند و با استقلال و با قدرت و  
 با ثروت میگردیدند و اغفلتاه و احسرتاه از این جهالت و رفتن قدرت و  
 ثروت مملکت وضعف مذهب و ملت پس باید غفلت نکرده و در فکر آینده  
 شده و هر کس را پیشوا مسلمین ننموده و از گذشته عبرت گرفته والا نه بر  
 مرده بر زنده باید گریست اگر در خانه کس است يك حرف بس است

حرره الاحقر الارومی عرب باغی